



حرف و فن

♦♦ به قلم مدیر مسئول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس و ثنا آفریدگار یکتایی که ذات مقدس ازلی^۱ او طالع بی‌غروب فیض است؛ همو که قدرت بر خلق دارد^۲ و هم بهترین‌ها و نیکوترین می‌آفریند.^۳ هستی بخشی که با صفاتِ رحمانیت و رحیمیت خود اقتضایی بجز خلق فیض ندارد تا ضعفی در برهان منشأ وجود بر خاطر فاطر، خطور نماید. بشر یکی از عناصر فیض بی‌منتهای وجودی اوست. همان بشری که بر ساختار خلقت خویشتن خویش، تکیه دارد و با بنیاد تجرد و تحفظ توانمندی‌هایش شکل گرفته و به نهادی لایق و قابل، تبدیل شده است. «تَبَارَكَ اللَّهُ» نیازها و خواهش‌های طول و دراز بشر، تکاپویی را در دایره توانایی‌هایش رقم زده است. بی‌تردید این جنبش انسانی، هم در مسیر تعالی تصویر دارد و هم در طریق تباهی‌ها رغبت می‌کند، ساماندهی و تعیین خط و مشی حیات دنیایی بر عهده رسولانی نهاده شده که با هدایت و نصرت الهی مجموعه راهگشایی را از جانب پروردگار برای سعادت و دستگیری بشر دریافت نموده‌اند. «دین» به عنوان ضامن رستگاری انسان در دنیا و عقبا، خود را متکفل تدوین مجموعه برنامه‌هایی که از طریق وحی برای نجات و راهنمایی بشر نازل گردیده و به تأیید یا تأسیس شرع رسیده است، می‌داند. در واقع دین پیوند بین حیات بشر با خالقش را محفوظ نگه می‌دارد و از گسست و غفلت انسان از مبدأ هستی‌بخش جلوگیری می‌کند. علاوه اینکه سعادت عقبا و زندگی شادمانه پس از مرگ از ثمرات اشجار مثمره آن در دنیا است.

از این روی موضوع اختصاصی این شماره از نشریه «صفر حیات» که به «عوامل دین‌گریزی در جامعه» پرداخته است ضمن بررسی جامعه‌شناختی آسیب‌ها، ابعاد و زوایای جدایی از دین، راه حل‌ها و پیشنهادهایی را هم ارائه نموده است؛ اما نگارنده این‌سطور پس از مطالعه کوتاهی، از دریچه‌ای متفاوت به این موضوع عنایت نموده و با طرح دو سؤال، مختصری به پرونده «دین و دین‌گریزی فرد و جامعه» اشاره خواهد داشت:

۱. دین در چه سطح و در کدام یک از ابعاد زندگی انسان و جامعه ورود دارد؟ به بیانی دیگر؛ آیا می‌توان دین را متکفل همه جهات حیات فرد و جامعه دانست؟
۲. گرایش به دین و گریز از آن معلول ذات دین است یا قوت و ضعف نقطه اتکا و فرار از دین، معلول عواملی خارج از درون دین است؟

برای درک بهتر موضوع ویژه نشریه و پاسخ به پرسش دوم، شناساندن عناوین سه‌گانه ذیل ضروری می‌نماید:

- الف) مردمان روزگار بدون اسلام به چه اوضاعی گرفتار بوده‌اند؛
- ب) اسلام چه ویژگی‌های دارد؛
- ج) آورنده و حامل آن چه برتری‌هایی دارد.

اگر چه برای پاسخ به این پرسش‌ها مجال فراخ و بالی آسوده نیاز است لیکن به وسع خود و با تکیه بر قرآن و کلام استوانه‌های دین و با توجه به اینکه مدار سخن بر شعاع «دین مبین اسلام» قرار دارد، لذا در ابتدا گذری کوتاه بر روزگاران بشر، قبل از طلوع اسلام به عرض شریف خوانندگان می‌رسد.

زندگی بشر قبل از نزول اسلام

قرآن کریم قطعی‌ترین و صادق‌ترین صحیفه عالم با مجسم کردن وضعیت زندگی اعراب قبل از اسلام و دشمنی‌های آنان نسبت به یکدیگر و قرار گرفتن آنها در آستانه سقوط به ذرکات، می‌فرماید:

﴿وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنٍ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا﴾؛^۴ و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد.

گویا بشر در بین خود، کاری بجز دشمنی، جنگ و خونریزی نداشته است. زندگی دنیا برای آنان ستیزه و نیرنگ، برتری‌جویی و تفاخر به اندوخته‌های ناپایدار و رقابت‌های توخشی‌گونه بشمار می‌آمده است. تمدن مریض و ناچیز بلکه تهی از تمدن، سایبان ظلمت و جهل را بر آنان افکنده بود. حتی تمدن‌های رایج در طول روزگاران حیات بشری در اقصی نقاط دنیای محدود آن زمان، فراز و نشیب‌ها و منحنی‌زادگی به خود دیده‌اند. برخی از این تمدن‌ها در میان بشر به واقع نوعی بربریت را تجربه کرده‌اند و ساختاری ضد انسانی در میان خود بنا نهادند. تاریخ منقول از بسیاری از زندگی‌جوامع و قبایل روزگاران قدیم حاکی از انحطاط و گسست بن‌مایه ارزش‌های انسانی، اخلاقی و تربیتی در میان آنان است. در آن دوران بشر بخاطر جهل و نادانی در بدترین شرایط زندگی

می کردند و از کمترین آسایش و رفاه برخوردار نبودند. حضرت علی علیه السلام در ترسیم زندگی اعراب آن روزگاران می فرماید:

«وَأَنْتُمْ مَعْشَرُ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ مُنِيحُونَ بَيْنَ حِمَاةِ حُشْنٍ وَ حَيَاتٍ ضَمَّ كَثْرُ بُونَ الْكِدْرِ وَ تَأْكُلُونَ الْجُشِبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَصْنَامَ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ وَالْآثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ»؛ آنگاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشته، و در بدترین خانه زندگی می کردید، میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی، به سر می بردید، آب‌های آلوده می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید، خون یکدیگر را به ناحق می ریختید، و پیوند خویشاوندی را می بردید، بت‌ها میان شما پرستش می شد، و مفساد و گناهان، شما را فرا گرفته بود.

این شرایط، تنها اختصاص به ملت عرب نداشت، وضعیت ملل و اقوام دیگر که به دور از حجاز هم زندگی می کردند بهتر از شرایط اقوام عرب نبود. امام علی علیه السلام روزگار بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله را سقوط تمام معیارها و ارزش‌های انسانی در جهان دانسته و اوج فضاخت و بدبختی ملت‌های آن دوران را یاد آور می شود و می فرماید:

«أُؤْسِلُهُ عَلَى جِبِنٍ فَتْرَةٌ مِنَ الرُّسُلِ وَ طُولٌ هَجْعَةٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اعْتِرَازٌ مِنَ الْفِتَنِ وَ انْتِشَارٌ مِنَ الْأُمُورِ وَ تَلَطُّظٌ مِنَ الْحُرُوبِ وَ الدُّنْيَا كَأَسْفَةِ الثُّورِ ظَاهِرَةٌ الْعُرُورِ عَلَى جِبِنِ اضْفِرَارٍ مِنْ وَرَقِهَا وَ إِيَّاسٍ مِنْ ثَمَرِهَا وَ اغْوَارٍ مِنْ مَائِهَا قَدْ دَرَسَتْ مَنَازِلَ الْهُدَى وَ ظَهَرَتْ أَغْلَامُ الرُّودَى فِيهَا مُتَجَهِّمَةً لِأَهْلِهَا غَابِسَةً فِي وَجْهِ طَالِبِهَا تَمْرَهَا الْفِتْنَةُ وَ طَعَامُهَا الْحَيْفَةُ وَ شِعَارُهَا الْحَوْثُ وَ دَنَائُهَا السَّيْفُ»؛ خدا پیامبر اسلام را هنگامی مبعوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیشین مدت‌ها گذشته، و ملت‌ها در خواب عمیقی فرو خفته بودند. فتنه و فساد جهان را فرا گرفته و اعمال زشت رواج یافته بود. آتش جنگ همه جا زبانه می کشید و دنیا، بی نور و پُر از مکر و فریب گشته بود. برگ‌های درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه آن خبری نبود، آب حیات فروخشکیده و نشانه‌های هدایت کهنه و ویران شده بود. پرچم‌های هلاکت و گمراهی آشکار و دنیا با قیافه زشتی به مردم می نگرست، و با چهره‌ای عبوس و غم آلود با اهل دنیا روبرو

می گشت. میوه درخت دنیا در جاهلیت فتنه، و خوراکش مردار بود، در درونش وحشت و اضطراب، و بر بیرون شمشیرهای ستم حکومت داشت.

این واقعیت زندگی بشر از بیان شخصی است که برهه‌ای از آن دوران را به خوبی درک و لمس کرده و با تربیتی که از دامن و مکتب حضرت محمد صلی الله علیه و آله یافته بود قضاوت درست و کاملی از مردمان و شرایط زندگی آنان تصویر نمود که بهترین سند تاریخ حیات بشری بشمار می آید. همو تیرگی و سیاه‌بختی دنیای بشر را در آن زمان، فاجعه آمیز می خواند و می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِالْحَقِّ جِبِنٌ دَنَا مِنَ الدُّنْيَا الْإِنْقِطَاعُ وَ أَقْبَلٌ مِنَ الْآخِرَةِ الْإِطْلَاقُ وَ أَطْلَمَتْ بِهِجْمَتِهَا بَعْدَ إِشْرَاقِ وَ قَامَتْ بِأَهْلِهَا عَلَى سَاقٍ وَ حُشْنٌ مِنْهَا يَهَادُ وَ أَرْفٌ مِنْهَا قِيَادٌ فِي انْقِطَاعٍ مِنْ مَدْيَتِهَا وَ اقْتِرَابٌ مِنْ أَشْرَاطِهَا وَ تَضَرُّعٌ مِنْ أَهْلِهَا وَ انْقِضَامٌ مِنْ خَلْقِهَا وَ انْتِشَارٌ مِنْ سَبَبِهَا وَ عَفَاءٌ مِنْ أَغْلَامِهَا وَ تَكْشُفٌ مِنْ عَوْرَاتِهَا وَ قِصْرٌ مِنْ طُولِهَا»؛ خداوند سبحان حضرت محمد صلی الله علیه و آله را هنگامی مبعوث فرمود که دنیا به مراحل پایانی رسیده، نشانه‌های آخرت نزدیک، و رونق آن به تاریکی گراییده و اهل خود را به پاداشته، جای آن ناهموار، آماده نیستی و نابودی، زمانش در شرف پایان، و نشانه‌های نابودی آن آشکار، موجودات در آستانه مرگ، حلقه زندگی آن شکسته، و اسباب حیات در هم ریخته، پرچم‌های دنیا پوسیده، و پرده‌هایش دریده، و عمرها به کوتاهی رسیده بود.

در بخش دیگری از سخنان حضرت در نهج البلاغه، نیز آمده است:

«بَعَثَهُ وَ النَّاسُ ضَلَالٌ فِي حَيْرَةٍ وَ حَاطِبُونَ فِي فِتْنَةٍ قَدْ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَزَلَّتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ وَ اسْتَحَفَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ حَيَاةً فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأَمْرِ وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ»؛ خدا پیامبر اسلام را به هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها به سر می بردند، هوی و هوس بر آنها چیره شده، و خود بزرگ بینی و تکبر به لغزش‌های فراوانشان کشانده بود، و نادانی‌های جاهلیت پست و خوارشان کرده، و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند، و بلای جهل و نادانی

دامنگیرشان بود.^۸

فتنه و درگیری، خشونت و خونریزی، پوجی و بی‌معززی، خرافه و هوس‌بازی و... تنها بخشی از بلایای به جان افتاده بشر در آن روزگاران بوده است. از مسلک و مرام دینی و اعتقادی هم هیچگونه خبری نبوده است و بشر در گمراهی و غفلت محض بسر می‌برده و نشانه‌های هدایت و ایمان وبران شده بود. حضرت با توصیف هلاکت آنان در ضلالت می‌فرماید:

«وَالنَّاسُ فِي فِتْنٍ الْمُجْتَمِعِ فِيهَا حَبْلُ الدِّينِ وَ تَرَعَزَعَتْ

سَوَارِي الْيَقِينِوَ اِخْتَلَفَ النَّجْرُ وَ تَشَنَّكَ الْأَمْرُ وَ ضَاقَ الْمُخْرَجُ وَ عَيِيَ الْمُصْذِرُ فَالْهَدَى حَامِلٌ وَ الْعَمَى شَامِلٌ عَصِي الرِّحْنُ وَ نُصِرَ الشَّيْطَانُ وَ حُذِلَ الْإِيمَانُ فَأَنْهَارَتْ دَعَائِمُهُ وَ تَنَكَّرَتْ مَعَالِمُهُ وَ دَرَسَتْ سُبُلُهُ وَ عَفَتْ شُرُكُهُ أَطَاعُوا الشَّيْطَانَ فَسَلَكُوا مَسَالِكَهُ وَ زَرَدُوا مَنَاهِلَهُ بِهَيْمٍ سَارَتْ أَغْلَامُهُ وَ قَامَ لِوَاؤُهُ فِي فِتْنٍ دَاسَتْهُمْ بِأَخْفَافِهَا وَ وَطَنَتْهُمْ بِأَطْلَافِهَا وَ قَامَتْ عَلَى سَنَابِكِهَا فَيْمٌ فِيهَا تَائِهُونَ حَائِرُونَ جَاهِلُونَ مَفْثُونَ فِي خَيْرِ دَارٍ وَ شَرِّ جِرَانٍ نَوْمُهُمْ سُهْوٌ وَ كُحْلُهُمْ دُمُوعٌ بِأَرْضٍ غَالِيهَا مُلْجَمٌ وَ جَاهِلُهَا مُكْرَمٌ»؛ مردم در فتنه‌ها گرفتار شده، رشته‌های دین پاره شده و ستون‌های ایمان و یقین ناپایدار بود. در اصول دین اختلاف داشته، و امور مردم پراکنده بود، راه‌هایی دشوار و پناهگاهی وجود نداشت، چراغ هدایت بی نور، و کور دلی همگان را فرا گرفته بود. خدای رحمان معصیت می‌شد و شیطان یاری می‌گردید، ایمان بدون یاور مانده و ستون‌های آن ویران گردیده و نشانه‌های آن انکار شده، راه‌های آن ویران و جاده‌های آن کهنه و فراموش گردیده بود. مردم جاهلی شیطان را اطاعت می‌کردند و به راه‌های او می‌رفتند و در آبشخور شیطان سیراب می‌شدند. با دست مردم جاهلیت، نشانه‌های شیطان، آشکار و پرچم او بر افراشته گردید. فتنه‌ها، مردم را لگد مال کرده و با سم‌های محکم خود نابودشان کرده و پا بر جا ایستاده بود. اما مردم حیران و سرگردان، بی‌خبر و فریب خورده، در کنار بهترین خانه (کعبه) و بدترین همسایگان (بت پرستان) زندگی می‌کردند. خواب آنها بیداری، و سرمه چشم آنها اشک بود، در سرزمینی که دانشمند آن لب فرو بسته و جاهل گرامی بود.^۹

بعثت و نزول دین اسلام

با بعثت رسول خدا ﷺ و ابلاغ دین اسلام، فصل جدیدی از حیات انسانی به روی بشر گشوده شد و جهل و نادانی به روشنایی بدل گشت و نقطه عطفی از کمال توسعه فکری و معنوی، و علم و آگاهی در میان آنان، آغاز گردید. اخلاق و برادری در بین مردم زنده گشت و دشمنی‌ها رنگ باخت و جای خود را به مهربانی‌ها داد. حضرت علیؓ در توصیف نزول نعمت در عصر بعثت و نمود آثار اسلام در زندگی اجتماعی مردم و رهایی آنان از سلطه اغیار و رسیدن به عزت و سربلندی، می‌فرماید:

«فَانظَرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْنِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْنِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِلَيْتِهِ طَاعَتَهُمْ وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ أَلْفَتَهُمْ كَيْفَ نَشَرْتَ الْيَغْمَةَ عَلَيْنِمْ جَنَاحَ كِرَامَتِهَا وَ أَسَأَلَتْ لَهُمْ جَدَاوِلَ نَعِيمِهَا وَ التَّقَاتِ الْمِلَّةَ بِهَيْمٍ فِي عَوَائِدِ بَرَكَتِهَا فَأَضْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا عَرَقِينَ وَ فِي حُضْرَةِ عَيْشِهَا فَكَيْهِينَ قَدْ تَرَبَّعَتْ الْأُمُورُ بِهَيْمٍ فِي ظِلِّ سُلْطَانٍ قَاهِرٍ وَ أَوْثَمِهِمْ الْحَالُ إِلَى كَنَفِ عَزِّ غَالِبٍ وَ تَعَطَّطَتْ الْأُمُورُ عَلَيْنِمْ فِي ذِي مَلِكٍ ثَابِتٍ فَبِهِمْ حُكَّامٌ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ مُلُوكٌ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ يَتَمَلَّكُونَ الْأُمُورَ عَلَى مَنْ كَانَ يَمْلِكُهَا عَلَيْنِمْ وَ يُنْصُونَ الْأَحْكَامَ فِيمَنْ كَانَ يُمَضِّبُهَا فِيهِمْ لَا تُغَمَّرُ لَهُمْ قَنَاءَةٌ وَ لَا تُفْرَعُ لَهُمْ صَفَاءَةٌ»؛ حال به نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگام بعثت پیامبر اسلام ﷺ بر آنان فروریخت بنگرید، که چگونه اطاعت آنان را با دین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را به وحدت رساند. چگونه نعمت‌های الهی بال‌های کرامت خود را بر آنان گستراند، و جویبارهای آسایش و رفاه بر ایشان روان ساخت و تمام برکات آیین حق، آنها را در بر گرفت در میان نعمت‌ها غرق گشتند و در خرمی زندگانی شادمان شدند، امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکومت اسلام استوار شد، و در پرتو عزتی پایدار آرام گرفتند، و به حکومتی پایدار رسیدند. آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند، و سلاطین روی زمین گردیدند، و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند، و قوانین الهی را بر کسانی اجرا می‌کردند که مجریان احکام بودند، و در گذشته کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.^{۱۰}

ویژگی و جاذبه اسلام به حدی بود که اعراب خیره‌سر و

غرق در جاهلیت را مقهور خود نمود؛ به طوری که در بدو دعوت، در برابر رسول خدا ﷺ از سر ترس بر شنوایشان قفل می‌زدند تا کلام وحی که از زبان محمد ﷺ جاری شده است در آنان ناخواسته تأثیر نگذارد. اسلام قدرت انفجاری در جلب و جذب آنگونه مردمان، داشته است. با اینکه اسلام به تدریج طی بیست و سه سال کامل شده است؛ اما در هر مرحله، از توانایی بالایی در تسخیر قلوب مردمان دارا بوده و این مسأله با نگاهی کوتاه به تاریخ صدر اسلام کاملاً قابل تصدیق است.

اگر چه فوج گرایش به اسلام را باید مرهون تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و مدبرانه وجود مقدس رسول رحمت و منیر خلقت ﷺ دانست؛ اما با این حال و در نبود آن برکت وجود، ریشه و سیره او در روش، منش و گفتار عترت او ﷺ ادامه دارد و امروزه با وجود میراث ارزنده در عالم اسلام، راه‌های استفاده عالمانه از آنها مهیاست و اسلام در تمامی ازمنه‌ها چراغ هدایت‌گری آن خاموش نخواهد شد و پاسخگوی همه پدیده‌ها با تکیه بر ابزارهای مناسب علمی و اجتهادی خواهد بود. این ظرفیت ذاتی اسلام است که بن بست در آن راه ندارد. اسلام به تنهایی دارای امتیازات ویژه است. دینی است که برگزیده خداست و در او حشو و ضعف، وجود ندارد و بهترین و عالم‌ترین و امین‌ترین بنده خدا آن را ابلاغ کرده است. کلام حضرت امیر ﷺ بر راقم این کلمات گواه است که فرمود:

«إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اضْطَفَّاهُ لِنَفْسِهِ وَ اضْطَفَّاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَ أَضْفَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ وَ أَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ»؛ همانا این اسلام، دین خداوندی است که آن را برای خود برگزید، و با دیده عنایت پروراند، و بهترین آفریدگان خود را مخصوص ابلاغ آن قرار داد. پایه‌های اسلام را بر محبت خویش استوار کرد.^{۱۱}

علاوه بر این، قرآن منبع عظیم وحیانی که تا یوم قیامت ﴿إِنَّا نَحْنُ وَإِنَّا لَكُمُ الْخَافِضُونَ﴾^{۱۲} است، حضورش محکم و روشنی‌اش برای همیشه فروزان است.

به این نکته باید توجه داشت که اسلام با تدابیر لازم، تغییر زمانه را در خود هضم کرده و قادر به روزآمد کردن روش‌های بهره‌گیری از داشته‌ها و منابع خویش است. تغییری در ماهیت و جنس وجودی اسلام نیست و تنها مسیرهای رسیدن به مقصد بر اساس مقتضیات زمان، بازیابی و تحول می‌پذیرد. نباید تصور کرد دوره‌ی برخی

مسائل و زوایای احکام اسلام سپری شده است. امروزه و در آینده همچنین، اگر اسلام به درستی از سوی بزرگان دین، قرائت گردد نه تنها گریزی از درون دین مبین اسلام، نخواهیم داشت بلکه بعید نیست که شاهد اقبال و رغبت ادیان و ملل دیگر نیز، باشیم. به جرأت می‌توان اذعان کرد که آنچه امروز به عنوان قرائت دینی مطرح است، از این پس هم بر دین‌گریزی مردم، افزوده خواهد شد. قطعاً این سرنوشت لایق به حال اسلام نیست و باید تا دیر نشده هر چه سریعتر به فکر اصلاح نوع و روش عرضه اسلام برآییم. با وارد کردن «تفکر شریعت سمحه سهله» در دریافت‌های دینی، و اصولی از این دست که بر اهل فن پوشیده نیست، از پیری و خمودگی برخی مسائل جاری، جلوگیری نماییم.

بیان نورانی‌ای که از امیرالمؤمنین علی ﷺ در گشوده بودن جاده اسلام در ذیل از نظر می‌گذرد با عرضه اسلام به معنای واقعی آن، امکان‌پذیر خواهد بود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَرَّعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ... فَهُوَ أَوْلَجُ الْمَنَاجِحِ وَ أَوْضَحُ الْوَلَاجِ مُشْرِفُ الْمَنَارِ مُشْرِقُ الْجَوَادِ مُضِيءُ الْمَصَابِيحِ كَرِيمُ الْمُضْمَارِ زَفِيحُ الْعَايَةِ جَامِعُ الْحَلَبَةِ مُتَنَافِسُ الشُّبُقَةِ شَرِيفُ الْفُرْسَانِ التَّمْصِدِيُّ مِتْهَاجُهُ وَ الصَّالِحَاتُ مَنَازُهُ وَ الْأُمُوتُ غَايَتُهُ وَ الدُّنْيَا مَضْمَارُهُ وَ الْقِيَامَةُ حَلَبَتُهُ وَ الْجَنَّةُ سُبُقَتُهُ»؛ ستایش خداوندی را سزاست که راه اسلام را گشود، و راه نوشیدن آب زلالش را بر تشنگان آسان فرمود... اسلام روشن‌ترین راه‌ها است، جاده‌های درخشان، نشانه‌های آن در بلندترین جایگاه، چراغ‌هایش پرفروغ و سوزان، میدان مسابقه آن پاکیزه برای پاکان، سرانجام مسابقه‌های آن روشن و بی‌پایان، مسابقه دهندگان آن پیشی گیرنده و چابک سوارانند. برنامه این مسابقه، تصدیق کردن به حق، راهنمایان آن، اعمال صالح، پایان آن، مرگ، میدان مسابقه، دنیا، مرکز گرد آمدن مسابقه دهندگان، قیامت، و جایزه آن بهشت است.^{۱۳}

جهت تکمیل و نتیجه‌گیری از مقولات مطرح شده و ارائه راه‌های عملی برای جلوگیری از دین‌گریزی در جامعه، نکاتی چند از نظر خوانندگان گرامی، متصدیان امر و مبلغان شرع، بشرح ذیل می‌گذرد:

۱. پرهیز از دوگانگی در گفتار با رفتار از سوی دست‌اندرکاران مسایل اسلامی؛

شادمانی، بجای افسردگی نشاط، بجای حسادت سخاوت، بجای اخم لبخند، بجای درد درمان، بجای بت پرستی بندگی، بجای شقاوت سعادت، بجای سختی آسانی، بجای پریشانی آرامش، بجای مریضی سلامت، بجای توقف حرکت، بجای زشتی زیبایی، بجای نداری دارایی، بجای خفت عزت، بجای تاریکی روشنایی، بجای خاموشی سخن، بجای ...

ویژگی های پیامبر اسلام ﷺ

حامل اسلام و مبلغ آن شخصیتی است که اسلام خود به توصیف سجایای او بر آمده و آن را به چشم و گوش عالمیان رسانده است. قرآن کلام خدا در وصف برگزیده اش حضرت محمد ﷺ می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾؛^۱ به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رؤف و مهربان است.

اگر بخواهیم عنوانی برای این توصیف قرآنی نسبت به رسول خدا ﷺ داشته باشیم، باید گفت: دردمندترین، غم خوارترین و عاطفی ترین بنده خدا نسبت به خلق، عزیز خدا و رحمت عالمیان، حضرت محمد ﷺ است. اسلام و امت اسلامی چنین پیام آوری را از سوی پروردگار در بین خود می بینند و صد البته به او، افتخار می کنند.

بایسته است در ختام این مقال به برترین معرف و تربیت یافته انوار پیغمبر خاتم ﷺ یعنی حضرت امام علی ﷺ اشاره نمایم که فرمود:

«أَفْضَتْ كَرَامَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى إِلَيَّ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَادِنِ مَثْبُتاً وَ أَعَزَّ الْأُرُومَاتِ مَغْرُوساً مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَ مِنْهَا أَنْبِيَاءُهُ وَ انْتَجَبَ مِنْهَا أَمَنَاءُهُ عَثْرَتُهُ خَيْرُ الْعَثَرِ وَ أُسْرَتُهُ خَيْرُ الْأُسْرِ وَ شَجَرَتُهُ خَيْرُ الشَّجَرِ نَبْتَتْ فِي حَرَمٍ وَ بَسَقَتْ فِي كَرَمٍ لَهَا فُزُوعٌ طَوَالٌ وَ تَمُو لَا يُنَالُ فَهُوَ إِمَامٌ مِنْ اتَّقَى وَ بَصِيرَةٌ مِنْ اهْتَدَى بِيَرَاجٍ لَمَعَ ضَوْؤُهُ وَ شَهَابٌ سَطَعَ نُورُهُ وَ زُنْدٌ بَرَقَ لَمَعُهُ سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ وَ كَلَامُهُ الْفَضْلُ وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ أَرْسَلَهُ عَلَى جِبِنٍ قَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ هَفْوَةٍ عَنِ الْعَمَلِ وَ غَبَاوَةٍ مِنَ الْأُمَمِ»؛ کرامت اعزام نبوت از طرف خدای سبحان به حضرت محمد ﷺ رسید. نهاد

۲. ایجاد فضای مناسب برای طرح شبهات دینی در جامعه؛
۳. تربیت افراد مسئول برای پاسخگویی صحیح به سوالات و شبهات دینی؛
۴. پرهیز از انگ ارتداد و امثال این عناوین به افراد؛
۵. پرهیز از مطلق نگری یک سویه در مسایل علمی و نظری؛
۶. تقسیم مسئولیت های علمی، سیاسی، اجتماعی و ... در بین افراد لایق؛
۷. پرهیز از انحصارگرایی در جایگاه قدرت و علمیت؛
۸. میدان دادن به افراد و نهادهای مختلف جهت اظهار نظرهای علمی و فکری در جامعه؛
۹. پرهیز از دخالت در مسئولیت های دیگران؛
۱۰. معرفی مدل های کارآمد دینی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و ...؛
۱۱. پرهیز از دخالت دادن مذهب در بهره مندی افراد از حقوق طبیعی؛
۱۲. پرهیز از قرائت های متضاد از دین با حقوق طبیعی انسان ها؛
۱۳. پرهیز از ارزش دادن به سالوس ها و ظاهر سازان دینی؛
۱۴. پرهیز از دنیازدگی و تجمل گرایی؛
۱۵. و ...

نکاتی که به رؤیت رسید بیشتر متوجه کارگزاران دینی و مسئولان مربوطه می باشد. اگرچه این موارد و بسیاری دیگر که ذکر آن در این مجال مختصر نمی گنجد فراتر از جامعه اسلامی است.

به هر روی اگر ره آورد اسلام به درستی به جامعه شناسانده شود تأثیر شگرفی در دینداری مردم ایجاد خواهد کرد؛ آنگونه که در صدر اسلام اتفاق افتاد و گرایش چشم گیری به اسلام بوجود آمد. امروز دنیا تشنه شنیدن ارزش های انسانی است. از جنگ و درگیری و خشونت بی زار است. رساندن صدای ناب اسلامی عرصه جدیدی را به روی جامعه باز خواهد کرد. اینکه اسلام بجای جنگ صلح آورده است، بجای بردگی آزادی، بجای تبعیض عدالت، بجای تفرقه وحدت، بجای دشمنی دوستی، بجای بغض و کینه برادری، بجای ناسزا احترام، بجای اندوه

اجتهاداند... مجتهد باید به مسایل زمان خود احاطه داشته باشد... آشنایی به روش برخورد با حيله‌ها و تزويرهاى فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصيرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتى سياسيون و فرمول‌هاى ديکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری... از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتى غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبّر باشد.^{۱۷}

روشن است معنایی که از اجتهاد مطرح گردید نه تنها مخالفتی با ضوابط و اصول و منابع اجتهاد مصطلح حال و سلف ندارد بلکه ضامن پویایی، پایداری و کارآمدی آن هم، خواهد بود.

جالب است این نکته یادآوری گردد که: سخنان و کنگره‌های زیادی در طول سال‌های اخیر بر ضرورت تحول در اجتهادات علوم حوزوی، فقهی و دینی به‌عنوان پیشانی حرکت رو به جلوی آموزه‌های اسلام، مطرح و برگزار شده است لیکن آثار و بازتاب این همایش‌ها و بیانات چندان چنگی به دل نمی‌زند و هنوز پس از گذشت سالیان متمادی از عمر جمهوری اسلامی، بسیاری از مسایل و رخدادها و همچنین موضوعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... در برابر اجتهادات کنونی حوزه، متوقف شده و ناهمسویی خود را در مواجهه با جامعه جهانی و بشریت امروزی، نشان داده است.

به عنوان نمونه در حوزه مسایل زنان؛ اشتغال زنان به ویژه زنان نان‌آور، قضاوت، شهادت، مدیریت خانواده، فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و ورزشی، طلاق، حضانت، ولایت، قصاص، دیه و موضوعاتی از این دست تنها در همین حوزه، بسیار است و تاکنون راهکار مناسب برای پُر کردن خلأ قانونی و برطرف شدن نواقص حقوقی در قوانین کشور ارائه نشده است.

اینها تنها نمونه‌های اندکی از مسایل و مشکلات جاری، آن هم در حوزه زنان در جامعه امروزی است که در کشور ما فنر این مسایل به سختی فشرده نگه داشته شده و در صورت عدم پاسخگویی و چاره‌جویی متناسب با شرایط،

اصلی وجود او را از بهترین معادن استخراج کرد، و نهال وجود او را در اصیل‌ترین و عزیزترین سرزمین‌ها کاشت و آبیاری کرد، او را از همان درختی که دیگر پیامبران و امینان خود را از آن آفرید به وجود آورد، که عترت او بهترین عترت‌ها، و خاندانش بهترین خاندان‌ها، و درخت وجودش از بهترین درختان است، در حرم امن خدا روید، و در آغوش خانواده کریمی بزرگ شد، شاخه‌های بلند آن سر به آسمان کشیده که دست کسی به میوه آن نمی‌رسید. پس، پیامبر ﷺ پیشوای پرهیزکاران، و وسیله بینایی هدایت خواهان است، چراغی با نور درخشان، و ستاره‌ای فروزان، و شعله‌ای با برق‌های خیره‌کننده و تابان است، راه و رسم او با اعتدال، و روش زندگی او صحیح و پایدار، و سخنانش روشنگر حق و باطل، و حکم او عادلانه است. خدا او را زمانی مبعوث فرمود که با زمان پیامبران گذشته فاصله طولانی داشت و مردم از نیکوکاری فاصله گرفته، و امت‌ها به جهل و نادانی گرفتار شده بودند.^{۱۵}

پایداری ابعاد و احکام اسلام لازمه‌اش تحول و توسعه در اجتهاد است. اجتهادی که هم توسعه مفهومی آن باید لحاظ گردد و هم شناخت موضوعات و به ویژه جریانات نوپدید در زندگی بشر امروزی، کارشناسی و مهندسی گردد.

شاید سخنان حضرت امام خمینی (س) در بیان حقیقت اجتهاد در حوزه، گواه بر تحلیل فوق باشد. ایشان می‌فرمایند:

«اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسایل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد».^{۱۶}

حضرت امام (س) در بخش دیگری از پیام منشور روحانیت، مؤلفه‌ها و عناصر اجتهاد را چنین بر می‌شمرد: «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در

دور از نظر نیست که خسارت‌های غیر قابل جبران و هزینه‌های بسیاری را بر پیکره جامعه، دین، حوزه‌های علمیه و کشور اسلامی، وارد نماید.

مواجهه جامعه با ناهمسویی حرکت‌های اجتماعی با اجتهادات حوزوی، ندهایی را از حلقوم‌ها بر می‌آورد که به خطر ناامیدی و ناکارآمدی دین و فقه اسلامی در عرصه‌های مختلف دامن زده و تفکر جدایی دین از برخی ابعاد زندگی امروز را تقویت می‌کند. این خطر جدی است و شاید یکی از عوامل برجسته در دین‌گریزی از همین تصورات و برداشت‌ها، ناشی گردد.

لذا مؤسسه فقه الثقلین با درک این موضوع، راه خود را به فضل الهی در مسیر اجتهاد نو، مبتنی بر منابع و آموزه‌های قرآن و عترت علیهم‌السلام ادامه خواهد داد و با انتخاب موضوع: «چالش‌های حقوق زنان در فقه» به بررسی و تحلیل آن در نشست فقه پژوهی آتی خود به همراه فقیهان، اندیشمندان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، خواهد پرداخت. انشاءالله

نشست قبلی فقه پژوهی مؤسسه فقه الثقلین که با موضوع: «بررسی چالش‌های دیه» از نگاه فقه و حقوق در آذر ۹۶ برگزار گردید، با استقبال جمع زیادی از علما، فضلا، اساتید حوزه و دانشگاه، مواجه گردید. بازخوردهای این نشست پس از برگزاری آن نیز، ادامه یافت و برخی از مراجع بزرگوار تقلید؛ همچون حضرت آیت الله العظمی سبحانی (دامت برکاته) عنایت فرموده برخی از سخنرانی‌های نشست «دیه» را که خلاصه گزارش آن در شماره ۱۸ نشریه صغیر حیات انعکاس یافته بود، مورد لطف و نقادی قرار داده‌اند که از این بابت مدیریت مؤسسه فقه الثقلین از ایشان تشکر نموده و معظم‌له در جواب چنین فرمودند:

«بسمه تعالی - با اهداء سلام، نامه محبت آمیز شما رسید؛ با تشکر. تحول در فقه با حفظ اصول مایه تکامل است. در این دو کتاب نوآوری‌هایی وجود دارد که از نظر شریف بگذرد. قم المقدسه - جعفر سبحانی ۲۵ شوال ۱۴۳۹ - ۹۷/۰۴/۱۸»
به امید آنکه بزرگانی چون حضرت آیت الله سبحانی که

سایبان برکاتشان همیشه افراشته باد، ما و همه کارگزاران عرصه تحول فقه و علوم محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علوی علیه‌السلام را یاری رسانند تا پرچم دین مبین اسلام عزیز با استواری افراشته ماند و به دست با کفایت صاحب اصلی آن، حضرت ولی الله الأعظم (ارواحنا له الفداء) تقدیم گردد. انشاءالله

مدیر مسئول

پانوشت‌ها:

۱. «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (الحديد، آیه ۳).
۲. «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (الزمر، آیه ۶۲)؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (الرعد، آیه ۱۶)؛ «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (غافر، آیه ۶۲)؛ «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (الأنعام، آیه ۱۰۲).
۳. «تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (المؤمنون، آیه ۱۴)؛ «اتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (یس، آیه ۱۲۵).
۴. آل عمران، آیه ۱۰۳.
۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.
۶. نهج البلاغه، خطبه ۸۹.
۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.
۸. نهج البلاغه، خطبه ۹۵.
۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.
۱۲. الحجر، آیه ۹.
۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶.
۱۴. التوبه، آیه ۱۲۸.
۱۵. نهج البلاغه، خطبه ۹۴.
۱۶. صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۱۷۷ و ۱۷۸.
۱۷. صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۸.